بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج اصول استاد سید محمدجواد شبیری

11/8/94 امارات معتبره - دلیل انسداد - مقدمات

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین انه خیر ناصر و معین. الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و اله الطاهرین. و لعن علی اعدائهم اجمعین من الان الی قیام یوم الدین.

دلیل انسداد(مقدمه چهارم)

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مقدمات دلیل انسداد بود. مقدمه چهارم از چند بخش تشکیل شده بود. یکی از بخش ها این بود که در جمیع اطراف شبهه احتیاط واجب نیست بلکه گاه جایز نیست. نفی احتیاط دو بیان داشت یکی اختلال نظام و دیگری قاعده لا حرج.

در مورد قاعده لا حرج صحبت کردیم که آیا تفسیرهای مختلفی که از لا ضرر است بعینه در لا حرج پیاده می­شود؟ اشاره شد: این­ دو بحث جداست و این­گونه نیست که اگر لا ضرر نفی حکم به لسان نفی موضوع یا نفی سبب به لسان نفی مسبب باشد، لا حرج نیز همانگونه است. زیرا نه تنها ادله آنها تفاوت دارد بلکه نکاتش نیز مختلف است. از طرف دیگر در خود لا ضرر هم به نظر نمیرسد الزاما بین مبانی مختلف در نتیجه تفاوت باشد و اگر لا ضرر نفی حکم به لسان نفی موضوع باشد، حتما در ما نحن فیه لا حرج جاری نمی شود و اگر نفی سبب به لسان نفی مسبب باشد، لا حرج جاری می شود.

و بیان شد که به نظر ما این یک بحث استظهاری است و تناسبات حکم و موضوع اقتضای تعمیم دارد و در واقع شارع مقدس می خواهد در شریعت مقدسه به خاطر امتثال احکام حرجی متوجه مکلّفین نباشد.

جریان لا ضرر و لا حرج، طبق مسلک تنجیز علم اجمالی به واسطه دلیل شرعی

در بحث لا حرج و لا ضرر گاه گفته می شود؛ لا ضرر ناظر به احکام شرعیه ای است که ضرر دارد و چون وجوب احراز قطعی امتثال، حکمی عقلی است نه حکم شرعی، لا ضرر رافع این حکم نیست. این بیان در صورتی است که تنجیز علم اجمالی به حکم عقل باشد اما مطابق مبنای حاج آقا

که تنجیز علم اجمالی را به حکم عقل نمی دانند و دلیل شرعی بر تنجیز علم اجمالی اقامه می کنند، روشن است که لا حرج می تواند منشأ تنجیز علم اجمالی - که حکم شرع به فعلیت احکام واقعیه است- را مرتفع کند.

حکم شرعی بودن منزل علیه

گاه ادعا می شود تنزیلات شرعیه ناظر به احکام شرعیه است و در تنزیل احکام شرعیه ای که وجود دارد بر یک شیء بار می شود. آیا این مطلب درست است؟

در تنزیلات شرعیه منزّل و منزّل علیه وجود دارد. گاه تصور می شود در تنزیلات شرعیه منزّل علیه حتما باید یک حکم شرعی باشد و تنها حکمی که شرعا بر منزّل علیه است می تواند بر منزّل بار شود، ولی ممکن است در تنزیلات شرعیه، منزل علیه

گاه حکمی عقلی باشد به این معنا؛ حکمی که عقلا بر منزّل علیه است بر منزّل بار شود. مثال؛ تنجیز قطع حکمی عقلی است اما شارع این حکم را با تنزیل ظن به قطع، برای ظن بار می کند. در تنزیل الظنّ کالقطع لازم نیست قطع حکم شرعی داشته باشد تا با تنزیل احکامی که شرعا روی قطع رفته است، روی ظن بار شود. بلکه ممکن است مشابه حکمی که عقلا برای قطع است به ظن تسری داده شود. چند مثال دیگر؛ لزوم امتثال، تنجیز، معذریّت، منجّزیت و ماننداین احکام که عقل برای قطع حکم می کند می تواند با تنزیل شرعی ظن به قطع برای ظن هم ثابت شود.

و گاه حکمی عقلایی باشد. مثلا عقلا احترام مادر را لازم می دانند و در شرع مادر رضاعی به مادر نسبی تنزیل شده است. این تنزیل به این معناست که همان احتراماتی که عقلا برای مادر نسبی لازم می دانند، برای مادر رضاعی هم لازم است.

هر چند ما نحن فیه وابسته به این بحث نیست ولی به طور کلی این که در تنزیلات شرعیه باید منزّل علیه حکم شرعی داشته باشد، قانون کلی نیست و بستگی به استظهارات ادله دارد و اگر جایی حکم ظاهر منزّل علیه حکمی عقلی یا عقلایی باشد، مانعی ندارد به واسطه تنزیل شرعی بر منزل بار شود.

مقوّم تنزیل شرعی

مقوّم تنزیل شرعی این است که حکم شرعی بر منزّل بار شود اما؛ این حکم شرعی بر منزّل به اعتبار این نیست که منزّل علیه هم حکم شرعی دارد بلکه اگر منزل علیه حکم عقلی یا عقلائی داشته باشد به واسطه تنزیل مشابه آن شرعا برای منزّل ثابت می شود.

حکومت لا حرج بر وجوب احتیاط، بنابر مسلک مرحوم آخوند

با توجه به دو نکته، لا حرج می تواند حتی بنابر مبنای آخوند احتیاط در تمام اطراف شبهه در فرض انسداد را رفع کند؛

الف: . لا حرج همانگونه که ناظر به احکام واقعیه است، می تواند ناظر به احکام ظاهریه هم باشد.

ب: تنجیز علم اجمالی در فرض انسداد در نظر مرحوم آخوند به جهت کشف شدّت اهتمام شارع که یک امر شرعی است، می باشد. در این فرض همچنان که مرحوم آخوند فرمودند از شدت اهتمام، وجوب احتیاط شرعی استفاده می شود نه این که لزوم امتثال به خاطر علم اجمالی ای که عقلا منجّز است، باشد.

اما با این حال ایشان می فرمایند: در اینجا قاعده لا حرج جاری نیست در حالی که قاعده لاحرج در صورتی جاری نمی شود که علم اجمالی به حکم عقل منجّز باشد ولی مطابق مبنایی که علم اجمالی ذاتا منجّز نیست و از شدت اهتمام به شرع کشف می شود، شارع وجوب احتیاط ظاهری را جعل کرده و وجوب احتیاط ظاهری، مقتضی وجوب احتیاط در جمیع اطراف شبهه است، ممکن است لا حرج وجوب احتیاط شرعی را نفی کند. به بیان دیگر؛ یکی از احکام ظاهریه وجوب احتیاط است و وجوب احتیاطی که ناشی از شدت اهتمام است وجوب احتیاط شرعی است. پس بنابراین اگر لا حرج بخواهد نسبت به وجوب احتیاط شرعی جاری شود، در ما نحن فیه نیز می تواند جریان داشته باشد.

این بیان مطابق با مبنای مرحوم آخوند در حکم عقل به تنجیز علم اجمالی بود که در نتیجه حتی با فرض تمامیت این مبنا و با پذیرش عدم حکومت لا حرج بر احکام عقلیه، باز هم چون مطابق فرمایش مرحوم آخوند، احتیاط و تنجیز علم اجمالی در ما نحن فیه شرعی است، لا حرج بر وجوب احتیاط حکومت دارد.

حکومت لا حرج بر وجوب احتیاط، بنا بر مسلک تنجیز علم اجمالی به واسطه اخبار خاصه

مطابق مبنای حاج آقا که لزوم احتیاط را از باب ادله خاصه می دانند و از روایت خاصه ای که احتیاط را برخی از مصادیق علم اجمالی واجب کرده اند، القای خصوصیت می کنند، ممکن است گفته شود: اگر ما بودیم و ادله ای که در موارد خاصه و در اطراف علم اجمالی، احتیاط را لازم کرده است، نسبت به علم اجمالی در ما نحن فیه القای خصوصیت می کردیم ولی در موردی که احتیاط در تمام اطراف حرجی است، با نگاه به لا حرج دیگر القای خصوصیت نمی توان کرد. به بیان دیگر؛ القای خصوصیت در صورت نبود لا حرج ممکن است ولی با وجود حکم شرعی به لا حرج دیگر نمی توان القای خصوصیت کرد. به عبارتی دیگر؛ مواردی که در روایات خاصه علم اجمالی منجّز دانسته شده، مواردی است که از احتیاط حرج پیش نمی آید و از این موارد نمی توان نسبت به مواردی که حرج پیش می آید، القای خصوصیت کرد و با فرض عدم القای خصوصیت، علم اجمالی منجّز نخواهد بود و احتیاط لازم نیست.

این بیان متفاوت با بیان جلسه گذشته است زیرا در بیان گذشته، بحث در ادله برائت بود اما این به ادله برائت کاری ندارد و در رابطه با القای خصوصیت از ادله علم اجمالی نسبت به مواردی حرج پیش می آید، می باشد.

نتیجه دلیل انسداد

در بحث دلیل انسداد، مبحث مهمی مطرح است که آیا نتیجه دلیل انسداد، حجّیت ظن است یا نتیجه دلیل انسداد تبعیض در احتیاط می باشد؟ مرحوم شیخ انصاری[[1]](#footnote-1) می فرمایند: نتیجه دلیل انسداد تبعیض در احتیاط است نه حجیت ظن. در نتیجه استفاده حجیت ظن از دلیل انسداد صحیح نیست. به تبع مرحوم شیخ، مرحوم نائینی[[2]](#footnote-2) نیز همین کلام را دارند.

نکته: تصور نشود که با تبعیض در احتیاط، انسداد دیگر موضوع پیدا نمی کند زیرا؛ انسداد منشأ عدم وجوب احتیاط کامل و وجوب بلکه احتیاط ناقص است و اگر انسدادی در کار نبود، در فرض وجود علم و علمی آن دو معتبر بودند ودر سایر موارد احتیاط کامل واجب می شد و دیگر نوبت به احتیاط ناقص و تبعیض در احتیاط نمی رسید.

بحث ما این است که مطابق مبانی حاج آقا نتیجه دلیل انسداد چیست و طبق مبانی دیگران نتیجه دلیل انسداد چیست؟ و از طرف دیگر فرق بین تبعیض در احتیاط با حجیّت ظن چیست؟ تفاوت

هایی بین تبعیض در احتیاط و حجیت ظن بیان شده و مرحوم آقا ضیاء و مرحوم آقای صدر احتمالات مختلف در مورد تبعیض در احتیاط و حجیت ظن را مطرح کرده اند که وارد بحث های تفصیلی این بزرگان نمی شویم و تنها اجمالی از بحث تبعیض در احتیاط را عرض خواهیم کرد و در مورد آن انشاءالله فردا صحبت می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. فرائد الأصول، ج‏1، ص: 503 [↑](#footnote-ref-1)
2. أجود التقريرات، ج‏2، ص: 135 [↑](#footnote-ref-2)